

بررسی جایگاه ادب در تربیت اسلامی

مریم زارع^۱

چکیده:

مسائل تربیتی یکی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه است و هر انسانی برای رسیدن به کمال نیاز به تربیت جسم و روح خود دارد یعنی همان طوری که برای مسائل روزمره، وقت می‌گذاریم، باید برای مسائل تربیتی که قطعا مهم‌تر و بالاتر از اینها است وقت گذاشت چرا که روح و جان و حقیقت ما را اصلاح می‌کند و سعادت ابدی به دنبال خواهد داشت. ادب یکی از سرمایه‌های ارزشمند و بهترین وسیله برای تربیت انسان است و در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بسیار مورد تاکید قرار گرفته تا جایی که ادب به عنوان بهترین ارث و اولین وظیفه والدین در قبال فرزند شمرده شده چرا که شاکله وجودی انسان را ادب او می‌سازد که همان شاکله وجودی، در برزخ و قیامت همراه با او است و می‌تواند موجبات سعادت و شقاوت انسان را فراهم آورد. مفهوم ادب می‌تواند ساختار فرهنگ و جامعه و روابط انسانی را اصلاح کند، بدون آنکه باری بر دوش دین و اعتقادات نهاده باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت ادب مقدمه دینداری است و ما بیش از اینکه از مردم و از خودمان مطالبه دینداری کنیم، باید مطالبه ادب کنیم و انتظار ادب داشته باشیم.

واژه های کلیدی: ادب، تربیت، دینداری.

zare500@gmail.com.

^۱. سطح دو، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) _ شیراز.

مقدمه:

ادب در شریعت اسلامی از جایگاه و مقام ویژه‌ای برخوردار است و در سربلندی و عزت انسان نقش حائز اهمیتی دارد، به یقین رعایت آداب در هر یک از مراحل زندگی انسان را از ورطه هلاکت درآورده، به وادی سعادت و خوشبختی رهنمون می‌سازد. ادب به معنای حفظ حدّ و اندازه هر چیز است و چون هدف اسلام، سر و سامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است و هیچ یک از شئون انسانیت، نه کم و نه زیاد، نه کوچک و نه بزرگ را از قلم نینداخته، از این جهت سر تا پای زندگی را دارای ادب نموده و برای هر عملی از اعمال زندگی، هیئت زیبایی ترسیم کرده است که از غایت حیات حکایت می‌کند. اما ادب، از مفاهیم مظلوم و غریبی است که هنوز در فرهنگ ما جایگاه و اهمیت رفیع خود را به دست نیاورده است. و بسیاری از مشکلات بر اثر بی ادبی است. آتش افروزی‌ها، ظلمها، ستمها، بی‌برکتی‌ها، ناراحتی‌ها، کدورت‌هایی که در جامعه اتفاق افتاده است، همه ریشه در عدم رعایت ادب دارد. مفهوم ادب می‌تواند ساختار فرهنگ و جامعه و روابط انسانی را اصلاح کند، بدون آنکه باری بر دوش دین و اعتقادات نهاده باشد. در این نوشتار پس از تعریف لغوی و اصطلاحی ادب و بیان ضرورت و اهمیت آن، با توجه به آیات و روایات به بررسی جایگاه ادب در تربیت اسلامی پرداخته می‌شود و در آخر نمونه‌ای از جلوه‌های ادب یاران امام حسین (علیه السلام) آورده می‌شود.

۱- مفهوم شناسی

الف) ادب در لغت

به معنای فرهنگ، پرهیخت. دانش و جمع آداب آمده است.^۱ ادب ملکه و قوه‌ای است که از بدی‌ها باز می‌دارد، اخلاق شایسته و صفای روح و کمال نفس و آنچه متبادر از لفظ ادب مفهوم می‌شود همان منش خوب در افعال ظاهری است.^۲

ب) ادب در اصطلاح

باید دانست که به لحاظ اصطلاحی ادب در طی قرون به دو معنای عمده ادبیات (علوم ادبی) و ادب دینی (اخلاقیات) به کار رفته است. ولی مقصود از آن در این بحث ادب دینی می‌باشد؛ «حفظ حدّ و اندازه هر چیزی و تجاوز ننمودن از آن را ادب گویند».^۳ ادب در خصوصیاتش تابع مطلوب نهایی در زندگی است. بنابراین، ادب الهی که خدای سبحان، انبیا و فرستادگانش را به آن مؤدب کرده، همان هیئت زیبای اعمال دینی است که از غرض و غایت دین حکایت می‌کند و آن غرض به طوری عبودیت و بندگی است. البته این عبودیت در ادیان حق از جهت زیادی دستورها و کمی آن و همچنین از جهت مراتب کمال که در آن ادیان است، فرق می‌کند.^۴ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بیان دیگر به تعریف ادب پرداخته و می‌فرماید:

«ادب بنا بر آنچه که از معنای آن استفاده می‌شود - هیئت زیبا و پسندیده ایست که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان، بر طبق آن هیئت واقع شود، به عبارت دیگر: ادب عبارتست از ظرافت عمل. و معلوم است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع بوده و منع تحریمی نداشته

۱. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۲۴.

۲. کمالی، خاتم النبیین (صلوات الله علیه)، ص ۲۸.

۳. www.pajoohe.ir ۹۸/۶/۳۱

۴. اردشیری لاجیمی، رهیافت (۶) گزیده ای از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، ص ۱۴۳.

باشد، پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح ادب معنا ندارد. و ثانیاً عمل اختیاری باشد، یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیئت و شکل در آورد و شخص به اختیار خود آنرا به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود، نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن مرعی داشته و آن گفتن «بسم الله» است در اول غذا و گفتن «الحمد لله» در آخر آن و احتراز از خوردن در حال پری شکم و امثال اینها و نیز نظیر ادب نشستن در حال نماز که «تورک» نامیده می‌شود و آن عبارت است از نشستن به روی ران‌ها و گذاشتن دست‌ها روی زانو و نگاه کردن به دامن، و همچنین نظائر آن.^۱ گر چه معنی ادب، حسن و ظرافت عمل است، و در معنی حسن که موافقت عمل است با غرض زندگی هیچگونه اختلافی نیست، لیکن تطبیق این معنای اصلی با مصادیق آن در نظر مجتمعات مختلف بزرگ مانند اقوام و ملل و ادیان و مذاهب مختلف و همچنین در مجتمعات کوچک مانند خانواده‌ها، بسیار مختلف است، و این اختلاف از جهت اختلافی است که در تشخیص کار نیک از بد دارند، مثلاً چه بسا چیرهائی که در نزد قومی از آداب به شمار می‌رود و حال آنکه در نزد سایر اقوام ادب نیست و چه بسا آدابی که در نزد قومی مست حسن و در نزد قوم دیگری شنیع و زشت است مانند تحیت در موقع برخورد و ملاقات با یکدیگر که در اسلام این تحیت سلام است که از طرف خدای متعال، مبارک و طیب نامیده شده، و در نزد اقوامی دیگر برداشتن کلاه و یا بلند کردن دست و یا سجده و رکوع کردن و یا پائین انداختن سر است و در بین زنان اروپا آدابی در برخورد معمول است که اسلام آنرا شنیع و زشت دانسته و همچنین آداب دیگر، الا اینکه همه این اختلافات ناشی از اختلاف در مرحله تشخیص مصداق است، و گرنه همانطوری که گفتیم در اصل معنای ادب که عبارت بود از هیئت زیبایی که سزاوار است عمل بر طبق آن انجام شود، اختلافی نیست، حتی دو نفر از عقلای بشر در معنای آن و اینکه ادب امری حسن است اختلاف ندارند. اخلاق وصف روح، و ادب وصف عمل است و ادب، ناشی از اخلاق می‌باشد و ادب الهی انبیاء هیئت زیبای اعمال دینی ایشان است.^۲

۲- ادب و قلمرو آن

الف) اهمیت و ضرورت ادب

مسائل تربیتی یکی از ضرورترین نیازهای جامعه است. همان طوری که برای مسائل روزمره، مثل درس و بحث و هنر و ورزش و مدرک وقت می‌گذاریم، همان طور که برای خوراک و پوشاک و مسکن

^۱. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۳۶۶.

^۲. همان.

هزینه می‌کنیم، باید برای مسائل تربیتی که قطعاً مهم‌تر و بالاتر از اینها است و اصلاً قابل مقایسه با آنها نیست، هم، وقت بگذاریم و هم هزینه کنیم که روح و جان و حقیقت ما را اصلاح می‌کند و سعادت ابدی به دنبال خواهد داشت. شاید بسیاری از دانش‌ها را اگر هم بلد نباشیم، مشکلی ایجاد نکند، ولی مسائل تربیتی و شیوه‌های همسررداری، فرزندداری و رفتار با پدر و مادر را اگر ندانیم، در زندگی با خسارت بزرگی روبه‌رو می‌شویم. همه دین ما ادب است؛ ادب با خدا و ادب با خلق و بالاتر از آن ادب با خود. باید بدانیم با خدا و خود و دیگران چگونه تعامل داشته باشیم.^۱

بنابراین، چون هدف اسلام، سر و سامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است و هیچ یک از شئون انسانیت، نه کم و نه زیاد، نه کوچک و نه بزرگ را از قلم نینداخته، از این جهت سر تا پای زندگی را دارای ادب نموده و برای هر عملی از اعمال زندگی، هیئت زیبایی ترسیم کرده است که از غایت حیات حکایت می‌کند. پس از نظر دین اسلام، هیچ غایتی برای حیات جز توحید خدای سبحان در مرحله اعتقاد و عمل نیست، به این معنا که اسلام، کمال انسانیت و غرض نهایی زندگی‌اش را این می‌داند که معتقد شود به اینکه برای او معبودی است که هر چیزی را او آفریده و برگشت هر چیزی به سوی اوست و برای او اسمای حسنا و مثال‌های بلندی است. آن گاه بعد از تحصیل چنین اعتقادی در مجرای زندگی قدم نهاده، هر عملی را که انجام می‌دهد، یک یک، حکایت از عبودیت او و عبودیت هر چیزی نزد خدای سبحان می‌نماید.^۲ بنابراین ادب از این جهت که مقدمه دینداری است، بسیار اهمیت دارد و یک مقدمه بسیار لازم برای دینداری است و دینداری را آسان می‌کند، به انسان تواضع می‌دهد، و انسان را تا اوج عشق‌بازی هم می‌برد. ادب تنها چیزی است که به عنوان مقدمه لازم برای دینداری، از عجب جلوگیری می‌کند.^۳

^۱. فرحزاد، تربیت فرزند، ص ۱۱۷.

^۲. اردشیری لاجیمی، رهیافت (۶) گزیده ای از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، ص ۱۴۴-۱۴۳.

^۳. www.panahian.ir. ۹۸/۶/۳۱

وجود در آغوش توحید قرار گرفت و به بهشت لقاء رسید. حر بن یزید دارای خشوع، یعنی تواضع و فروتنی باطنی در برابر حق و حقیقت بود، و این تواضع باطنی و صفت عالی نفسانی در برخوردی با حضرت حسین (علیه السلام) تبدیل به عملی صالح و شایسته شد و روزه‌ای را برای نجات وی فراهم کرد.^۱ بنابراین ادب از محبت مهمتر است. چون شما می‌خواهید با محبت، به اوج ارتباط با خدا برسید- ولی این محبت به سهولت به دست نمی‌آید و قطعی نیست- اما با ادب می‌توان حداقل ارتباط با خدا را حفظ کرد.^۲ امام حسین (علیه السلام) -بعد از اینکه حرّ راه کاروان امام (علیه السلام) را بست-

«به حرّ فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند چه می‌خواهی؟» حرّ گفت: هان به خدا اگر دیگری از عرب این کلمه را به من می‌گفت و او در چنین گرفتاری بود که تو هستی من واگذار نمی‌کردم و مادرش را به شیون و فرزند مردگی نام می‌بردم و حتماً به او پاسخ می‌دادم هرچه باداباد، ولی به خدا من حق ندارم که مادر تو را ذکر کنم مگر به نیکوترین صورتی که مقدور باشد! در مرحله ادب او، او را وادار کرد که نسبت به شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) با همه وجود ادای احترام نماید، و با این عمل که برخاسته از ادب درونی او بود تمام درهای توفیق را به روی خود بگشاید، و در نتیجه قدم به قدم با سرعتی بیش از سرعت نور از دوزخ دور و به بهشت نزدیک گردد، و از طاغوت و بتی چون یزید دور و به امام هدایت نزدیک شود، و از شرک‌رهای یافته به اعماق توحید اعتقادی و عملی برسد!»^۳

ب) ادب علمدار کربلا

یکی دیگر از نمونه‌ها و الگوهای ادب در سپاه ابا عبدالله (علیه السلام) حضرت قمر بنی هاشم ابا الفضل العباس (علیه السلام) بود. یکی از جلوه‌های ادب آن بزرگوار هنگامی بود که به حضور مولایش رسید و از تنگی سینه‌ی خود شکایت فرمود. خون آن حضرت به جوش آمده بود و می‌خواست از لشکر اشقیا انتقام بگیرد اما امام حسین (علیه السلام) به ایشان دستور دادند به جای سلحشوری در میدان

^۱. همان.

^۲. www.panahian.ir ۹۸/۶/۳۱

^۳. انصاریان، عبرت آموز (مجموعه نکته‌ها و داستان‌های استاد حسین انصاریان)، ص ۴۰.

نبرد، قدری آب برای کودکان تهیه کند. آن حضرت بدون درنگ فرمان امام زمان خود را گردن نهاد و مؤدبانه خواسته‌ی ایشان را بر خواسته‌ی خود ترجیح داد.^۱

آخرین جلوه‌ی ادب حضرت عباس (علیه السلام) در قبال مولایش، جایی بود که تشنه و کوفته به آب فرات رسید اما از آن ننوشید؛ بدان خاطر که یادش آمد مولایش و خانواده‌ی ایشان تشنه اند. این جلوه‌های کم نظیر ادب در برابر امام زمان، حاصل معرفت والایی بود که خداوند به اصحاب بی مانند سیدالشهداء (علیه السلام) عطا فرموده بود. حضرت عباس در رأس اهل ادب و معرفت بود که حتی در غیاب ظاهری امام زمانش، ادب در برابر جایگاه وی را پاس داشت و حاضر نشد تا او آب ننوشیده لب به آب بزند.^۲

باری، ادب گاه حاصل معرفتی عمیق است که خداوند به فضل خویش عطا می کند. گاه خداوند حق عظیم خود یا اولیایش را به انسان می‌فهماند و از این طریق او را با خیزشی درونی، به ادب در برابر خدا، رسول و امام مقید می‌فرماید.^۳

^۱. بنی هاشمی، محمد، تربیت آرمانی (گذری بر اهداف، راهبردها و شیوه‌های تربیتی با الهام از سیره استاد کرباسچیان)، ص ۲۹۵.

^۲. همان.

^۳. همان.

نتیجه گیری:

ادب در تربیت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در حقیقت میزان رشد و شکوفایی شخصیت یک فرد است که منهای آن در هر درجه و سطحی که باشد فاقد ارزش و بها است. در حقیقت می‌توان ادب را به ریشه‌های یک درخت تشبیه کرد که رشد و شکوفایی تنه و شاخه‌ها از آنجا نشأت گرفته و سر بر می‌آورند زیرا درخت بی ریشه رشد و نمو ندارد و شاید به همین علت است که در روایات آمده که بهترین ارث برای فرزند ادب اوست. و از آنجا که یکی از عوامل مهم تربیت، پیروی محض و همه جانبه از خداوند سبحان، دین محوری در زندگی، مراقبت و در ذکر خدا بودن است، و همه این‌ها نیاز به آداب دارد بنابراین می‌توان به نقش ادب در تربیت اسلامی پی برد زیرا باید بدانیم با خدا و خود و دیگران چگونه تعامل داشته باشیم. و به عبارتی ادب مقدمه دینداری است و ما بیش از اینکه از مردم و از خودمان مطالبه دینداری کنیم، باید مطالبه ادب کنیم و انتظار ادب داشته باشیم. چرا که ادب در بین مردم مقبولیت دارد و ما باید از این فرصت و از این مقبولیت مفهوم ادب در بین مردم استفاده کنیم. زیرا ادب دینداری را آسان می‌کند به انسان تواضع می‌دهد و او را تا اوج عشق بازی می‌برد و می‌توان گفت ادب از محبت مهمتر است، با ادب می‌توان حداقل ارتباط با خدا را حفظ کرد، حرّ عاشق اهل بیت (علیه السلام) نبود اما ادبش او را نجات داد. بنابراین طبق روایات، پدر و مادر از سن هفت سالگی باید رعایت «ادب» را به فرزندان خود آموزش بدهند تا بچه‌ها اصل مبارزه با هوای نفس را درک کنند و بدانند که باید با «دل‌م می‌خواهد»‌های نابجای خودشان مبارزه کنند.

فهرست منابع:

* قرآن

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی

۱. اردشیری لاجیمی، **رهیافت (۶)** گزیده ای از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲. انصاریان، حسین، **عبرت آموز** (مجموعه نکته ها و داستان های استاد حسین انصاریان)، قم، دارالعرفان، سال ۱۳۸۴ ه.ش.
۳. بنی هاشمی، محمد، **تربیت آرمانی** (گذری بر اهداف، راهبردها و شیوه های تربیتی با الهام از سیره استاد کرباسچیان)، تهران، منیر، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴. تهرانی، مجتبی، **ادب الهی کتاب سوم: تربیت فرزند**، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ه.ش.
۵. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۴۱ ه.ش.
۶. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳ ه.ش.
۷. فرحزاد، حبیب الله، **تربیت فرزند**، قم، نشر عطش، ۱۳۹۵ ه.ش.
۸. کمالی، علی، **خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم)**، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه.ش.

ب- کتب عربی

۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. صدوق، محمد بن علی بابویه، *من لا یحضر الفقیه*، بی جا، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. کلینی، محمد، *اصول کافی*، بیروت، دارالتعارف، سال ۳۲۹ ه. ق.
۵. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶. نوری، حسین، *مستدرک وسایل*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، سال ۱۴۰۸ ه.ق.

ج- سایت ها

۱. www.panahian.ir ۹۸/۶/۳۱.
۲. [www. Pajoohe.ir](http://www.Pajoohe.ir). ۹۸/۶/۳۱.

د- نرم افزارها

۱. کتابخانه قائمیه.

ه- سخنرانی ها

۱. پناهیان، علیرضا، *ادب نامی برای تمام خوبی ها*، تهران، حسینیه آیت الله حق شناس (رحمه الله) ۱۳/۱۲/۱۳۹۳